

## عزت ملی در جهت گیری های سیاست خارجی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۳۱

تاریخ تأیید: ۹۹/۰۵/۰۷

هادی نصیری پویا\*

### چکیده

پژوهش حاضر باهدف بررسی عزت ملی در جهت گیری های سیاست خارجی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری صورت گرفته است. به طور خلاصه می توان گفت عزت از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری نظیر کرامت، قدرت و اقتدار قرابت معنایی دارد. صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندان سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه است. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با دقت حفظ کند؛ از ارزش های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. نکات ویژه ای که در اینجا مورد بررسی قرار می دهیم، صورت های مختلف استراتژی است، استراتژی انزوای طلبی، استراتژی عدم تعهد و استراتژی اتحاد و ائتلاف. آنچه که در اینجا در پی بررسی و تبیین آن هستیم این است که راهبردها را با اصل مهم عزت بسنجیم و نحوه ارتباط و همخوانی و یا عدم ارتباط آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

**واژه های کلیدی:** عزت، عزت ملی، جمهوری اسلامی، سیاست خارجی.

\* دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

## عزت

عزت از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم دیگری نظیر کرامت، قدرت و اقتدار قرابت معنایی دارد. به عبارتی، هریک زمینه‌ساز تحقق دیگری است. در قرآن، عزت متعلق به خدا، رسولش و مؤمنین است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» از این جهت، عزت متعلق به مؤمن است که او «تنها کسی است که با همه وجود، در مقابل هر چیزی که بوی شیطنت و ظلم و فساد می‌دهد، مبارزه و مقاومت می‌کند و فقط بنده خداست و غیر او را بندگی نمی‌کند».<sup>۱</sup> با توجه به آنچه گفته شد، این اسلام است که به یک ملت و کشور عزت و شخصیت می‌دهد. به عبارتی دیگر، «ملتی که با ایمان صادقانه و صحیح اسلامی حرکت کند، از عزت و راحتی و رفاه مادی برخوردار خواهد شد و دیگرکسی نمی‌تواند چیزی را بر او تحمیل کند.» ملت ایران که به خوبی فهمیده‌اند اسلام همان عاملی است که دشمنان را علیه آن‌ها بسیج کرده است و می‌دانند که تنها راه نیل به عزت نیز تمسک به اسلام است، در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی و از جمله در هشت سال دفاع مقدس، مقاومت کرده‌اند. [اگرچه] ما از جنگ ضربات مادی و معنوی زیادی دیدیم، اما خسارت نکردیم، زیرا با وجود این ضربات، اسلام عزیز شد و همه در دنیا فهمیدند که اگر ملتی مؤمن شد و به خدا و قرآن و روز جزا معتقد گردید و جوانانش در میدان جنگ، این‌گونه با مظلومیت جنگیدند تا حدی که دشمن را ناکام کردند، سربلند و پیروز است. همه قدرت‌های دنیا دستشان را روی هم گذاشتند تا بتوانند به قصد ساقط کردن نظام اسلامی، بخشی از این کشور را جدا کنند و تمامیت ارضی ایران را از بین ببرند، ولی نتوانستند. این، شکست قدرت‌های بزرگ نیست؟ این، غلبه و عزت و توانایی ملت ما نیست؟

۱. محمدعلی نژاد و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲.

### عزت ملی از منظر مقام معظم رهبری

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی آنچه در دستور کار سیاست خارجی بود، پیاده کردن اهداف و برنامه‌های دولت در زمینه داخلی و خارجی در چارچوب احکام اسلامی بود. از این رو، همان‌گونه که در آن زمان، نظام اسلامی، نظامی متمایز از غرب و شرق بود، سیاست خارجی آن‌هم بالطبع می‌بایست متمایز از سیاست خارجی بلوک غرب که در رأس آن‌ها آمریکا قرار داشت و هم‌چنین متمایز از سیاست خارجی شرق که در رأس آن‌ها شوروی سابق قرار داشت، باشد. بدین منظور نظام اسلامی، یک نظام متعادل و بدون افراط و تفریط در نظر گرفته شد که برنامه‌ها و اهداف سیاست خارجی شرق و غرب را که از طریق امپریالیسم و دخالت‌های آشکار و نهان و کودتاها انجام می‌شد، مردود دانست؛<sup>۱</sup> بنابراین، همه برنامه‌های سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی تحت الشعاع این نکته بود که شیوه و راهبرد سیاست خارجی نظام اسلامی باید با سلطه‌گیری و سلطه‌جویی چنین سلطه‌پذیری‌هایی که هر دو آن‌ها، دوروی یک سکه بودند، هم‌خوانی ندارد. از این جهت این اصل در ابتدا به صورت یک شعار و سپس به عنوان راهبرد سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی مطرح گردید. اصلی که به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اصل سیاسی، زیربنایی و جزو اصول و مبانی جمهوری اسلامی است و لا شک و لا یتغیر است. این، اصلاً سیاست نیست؛ بلکه مبنا و پایه نظام است و منافاتی هم با ارتباط ندارد.

اکنون که بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، جمهوری اسلامی از این اصول مهم و اساسی خود یعنی راهبرد نه شرقی و نه غربی دست نکشیده و با قوت این مهم را در مبنای سیاست خارجی خود قرار داده است، هم‌چنین با توجه به مطرح بودن راهبردها در روابط بین‌الملل، لازم است تعریفی از راهبرد-

۱. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، مقاله «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه معرفت اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

استراتژی داشته، انواع راهبردهای کلان را بررسی نموده و رابطه اصول عزت با این راهبردها را بررسی نماییم.

### تعریف راهبرد

واژه راهبرد، مشتق از ریشه یونانی Strategos به معنی لشکر و agein به معنای فرماندهی کردن است؛ بنابراین معنای لغوی آن فرماندهی لشکر است. استراتژی امروزه به معنای علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح‌های اقتصادی و سیاسی و نظامی در سطح دولت و یا بین چند دولت و به کار گرفتن کلیه امکانات، جهت دستیابی به هدف‌های نظامی می‌باشد.<sup>۱</sup> (آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۹).

این واژه در امور سیاسی به تعیین خط و مشی کلی یک کشور یا سازمان یا حزب که برنامه مراحل بلندمدت آن را مشخص می‌کند، اطلاق می‌شود. تعاریف متعددی از راهبرد یا استراتژی شده است:

۱. علم فن توسعه و به کار بردن قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت - هنگام جنگ و صلح - به منظور تأمین حداکثر حمایت از سیاست‌های ملی و افزایش احتمالات و نتایج مطلوب برای پیروزی و تقلیل احتمال شکست.

۲. روش یا سیاست کلی برای نیل به هدف‌های معین.

۳. هنر یا علم توسعه و به‌کارگیری بهتر امکانات در جهت نیل به هدف در مقابل سایر بازیگران.

۱. آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۹، ص ۷۵.

۴. از نظر کی جی هالستی، استراتژی عبارت است از سمت‌گیری یعنی ایستارها و تعهدات کلی یک دولت در برابر محیط خارجی، استراتژی اصلی دولت برای تحقق هدف‌های داخلی و خارجی و مقابله با تهدیدات مستمر می‌باشد.<sup>۱</sup>

در زبان فارسی، واژه استراتژی معادل و مترادف کلمه سوق‌الجیشی یا راهبرد آمده است. امروزه این واژه مترادف تصمیم‌گیری عاقلانه و آینده‌نگر است و استراتژی را هنر به‌کارگیری همه منابع موجود یک کشور توسط عالی‌ترین مرجع اقتدار ملی برای کسب نتیجه موفقیت‌آمیز و منازعه بین کشورها می‌دانند. دولت‌ها به‌تبع نیازهای داخلی، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیک و نیز تحت تأثیر ساختار نظام بین‌الملل، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های متعددی برای تأمین هدف‌ها و منافع ملی خود برمی‌گزینند. همچنین امروزه دولتی در عرصه روابط بین‌الملل موفق‌تر و قدرتمندتر از دیگر دولت‌هاست که بتواند بنا بر مقدورات و محدودرات داخلی و بین‌المللی خود و همچنین بنا به حوزه‌های موضوعی متفاوت در سیاست خارجی، از استراتژی‌های گوناگون در راستای تأمین منافع و اهداف ملی خود استفاده کند.<sup>۲</sup>

### انواع استراتژی‌های سیاست خارجی

استراتژی انزواطلبی، استراتژی عدم تعهد و استراتژی اتحاد و ائتلاف. آنچه که در اینجا در پی بررسی و تبیین آن هستیم این است که راهبردها را با اصل مهم عزت بسنجیم و نحوه ارتباط و همخوانی و یا عدم ارتباط آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۱. ستوده، ۱۳۹۳، ص: ۶۵.

۲. سجادیپور، ۱۳۸۳، ۹۸.

## استراتژی انزواطلبی

استراتژی انزواطلبی بر آن است که مراودات دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی و نظامی خود با سایر واحدهای سیاسی را به حداقل کاهش دهد. به عبارت دیگر شاخصه‌های سیاست انزوا عبارت است از: سطح کم درگیری، تعداد کم مراودات دیپلماتیک، عدم تمایل به تعهد نمودن نیروهای نظامی به خارجی‌ها.

هدف استراتژی انزوا، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور است. علاوه بر آن، این استراتژی درصدد است بدون اتکا به دیگران، هرگونه تهدید داخلی و خارجی را دفع نموده و با بهره‌گیری از خودکفایی اقتصادی و اجتماعی، زندگی توأم با رفاه ملی را برای مردم خویش به ارمغان آورد. البته شرط انتخاب و موقعیت استراتژی انزوا، غنای اقتصادی و اجتماعی، تعدد قدرت‌های جهانی و توزیع قدرت، دور بودن موقعیت جغرافیایی کشور و برکناری از صحنه اصلی کشمکش یا فقدان تهدید مستقیم است. چنین شرایطی درگذشته فراهم بود، ولی امروزه با ارتقای سطح تکنولوژی، بخصوص گسترش و بهبود ارتباطات و افزایش قدرت پرتاب تسلیحات نظامی که قادر است هر کشور دوردستی را مورد حمله قرار دهد و نیز، افزایش وابستگی متقابل، ادامه استراتژی انزواطلبی را غیرممکن کرده است.<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که گرایش به استراتژی انزواطلبی از سوی کشورهایی مورد توجه قرار می‌گیرد که یا در دوران تحکیم استقلال یک کشور تازه تأسیس و یا کشوری که با انقلاب، تغییرات شگرفی در اصول سیاسی خود ایجاد کرده‌اند و یا اینکه از نظر اقتصادی و اجتماعی خودکفا هستند. این واحد سیاسی مجبور نیست برای حفظ یک شیوه زندگی خاص شامل ارزش‌های اجتماعی، ساختارهای سیاسی و الگوهای اقتصادی محیط خارجی را به نفع خود تغییر دهد. نمونه آن، انزواطلبی آمریکا در قبال

۱. دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸ ص ۸۷.

اروپا در قرن ۱۹. عاملی که موجب اتخاذ چنین سیاستی شد عبارت بود از: خودبسندگی اقتصادی و نبودن تهدید مستقیمی از جانب اروپا.

### استراتژی انزواطلبی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی و تتبع در رهنمودهای روشنگرایانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان چنین استنباط کرد که نظام جمهوری اسلامی، اعتقادی به استراتژی انزواطلبی یا عدم توجه به محیط پیرامون و حفظ وضع موجود، نداشته و هرگز از این استراتژی پیروی نمی‌کند. این جهت‌گیری، با اهداف کلی و مسئولیت‌های ملی و فراملی نظام اسلامی در برابر مسلمانان و محرومان و مستضعفان انطباق ندارد. لذا انزواطلبی نمی‌تواند اهداف کلی نظام را برآورده کند. در اصل ۱۵۲ قانون اساسی آمده است: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است.

این اصل نظام اسلامی را به داشتن روابط صلح‌آمیز با جهان خارج، در چارچوب احترام متقابل و دفاع از حقوق همه مسلمانان فرامی‌خواند نه کناره‌گیری و انفعال، زیرا مصلحت نظام اسلامی، چنین حکمی را ایجاب می‌کند.<sup>۱</sup>

### اصول عزت و استراتژی انزواطلبی

به‌طورکلی شاخصه‌های استراتژی انزوا عبارت است از: سطح کم درگیری، تعداد کم مراودات دیپلماتیک، عدم تمایل به تعهد نمودن نیروهای نظامی به خارجی‌ها، حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور، دفع هرگونه تهدید داخلی و خارجی بدون

۱. ستوده، ۱۳۹۳، ص ۷۳.

اتکا به دیگران، قبول حفظ وضع موجود و مخالفت با هرگونه تجدیدنظر در سیاست‌های موجود و جلوگیری از نفوذ سلطه فرهنگی بیگانگان.

### عزت و انزواطلبی

از اصول اولیه و مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، نفی و طرد کامل هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است. جمهوری اسلامی، بر اساس آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی باید در سیاست خارجی خود از مناسبات و روابط مبتنی بر سلطه اجتناب کند به گونه‌ای که عزت و احترام کشور و ملت در عرصه بین‌المللی حفظ و افزایش یابد. همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین معنای عزت معتقدند؛ معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. به دنبال این اصل مهم، بر اصول قابل توجه و بااهمیتی چون عدالت‌طلبی، نفی نظام سلطه و طرد کامل استعمار و حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش نیز تأکید شده است؛ بنابراین جمهوری اسلامی، به موازات مبارزه با استکبار و استعمار، خود را موظف به حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش می‌داند که با مستکبران و استعمارگران مبارزه می‌کنند. چه اینکه برای دفاع از عزت اسلام و مسلمین باید در صحنه‌ها، رخدادها و حوادث مهم بین‌المللی حضوری فعال داشته باشد. این اصول مهم و اثربخش که برگرفته از اندیشه‌های زلال و ناب دین اسلام است، هرگونه انفعال، کناره‌گیری و انزواطلبی را مردود دانسته و خواستار تعامل، ارتباط، مصالحه، حق‌جویی و حق‌جویی عزتمندانه و شرافتمندانه است.

مقام معظم رهبری، گوشه‌گیری و انزواطلبی را مردود دانسته و ارتباط عزتمندانه‌ای را که در آن ذره‌ای اهانت به ملت جایگاهی نداشته باشد توصیه می‌نمایند:

«ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند و اهانت نشود. هیچ‌کس حق

ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت پذیر است، برای خودش اهانت پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد... ما به حمدالله در تمام صحنه‌ها مشاهده کرده‌ایم که این ملت، ملت بزرگ و جان دار و پرخونی است؛ زار و نزار و ذلت پذیر نیست.»<sup>۱</sup>

بنابراین ارتباط فعال و دوجانبه و مبتنی بر تفاهم و عقلانیت موردپذیرش نظام جمهوری اسلامی بوده به شرط آنکه هیچ‌گونه تحقیر و نابرابری در مراودات نباشد و خدشه‌ای نیز به عزت ملت و دولت وارد نگردد.

### رابطه استکباری با آمریکا مصداق ذلت

به اعتقاد رهبر فرزانه انقلاب، پذیرش رابطه استکباری آمریکا همان ذلت و مرگ ملت است. زیرا سیاست‌های جاه‌طلبانه آن‌ها تا آنجا که بتوانند بر دشمنی با ملت ایران و عدم پیشرفت، متکی است. ایشان به رابطه ذلت‌بار با آمریکا اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«بنده معتقدم آن روزی که ایران بگوید خیلی خوب، آقای آمریکا ما حاضریم با شما رابطه برقرار کنیم؛ آن همان روزی است که آمریکا بگوید نه، متأسفانه نمی‌شود؛ شما بایستی این کارها را بکنید، این شرط‌ها را عمل کنید تا ببینیم چه می‌شود؛ یعنی بعد از آن که شما یک‌بار خودتان را شکستید و رابطه را قبول کردید، آن وقت دست می‌گذارد پشت گردنتان، صورتتان را هم توی خاک می‌مالد، خوب نابودتان می‌کند، بعد رهایتان می‌سازد، رابطه هم برقرار نمی‌شود! در آن شرایط، رابطه برای هر ملتی که چنین رابطه‌ای را قبول کند، مرگ است. هیچ‌کس حق ندارد مرگ این ملت را، ذلت این ملت را قبول کند، هر که می‌خواهد باشد؛ من هم حق ندارم، مسئولین دیگر هم حق ندارند، وزارت امور خارجه هم حق ندارد.»<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۸/۰۴/۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۸/۰۴/۱۳۷۰.

## استراتژی عدم تعهد

سیاست عدم تعهد به معنای نفی هرگونه وابستگی و امتیازدهی به قطب‌های قدرت جهانی و پرهیز از ائتلاف و اتحاد نظامی دو یا چندجانبه با آنان است. در نیمه دوم قرن بیستم جهت‌گیری جدیدی در سیاست خارجی برخی دولت‌ها پیش آمد که به عدم تعهد یا عدم وابستگی شهرت یافت. جنبش عدم تعهد که به مفهوم عدم وابستگی به شرق و غرب است و گاهی از آن به بی‌طرفی مثبت یاد می‌شود در ابتدا به صورت یک حرکت سیاسی ضد امپریالیستی و ضد تبعیض نژادی آغاز گردید و سپس ضمن حفظ مواضع قبلی خود به صورت یک جنبش اقتصادی در میان کشورهای جهان سوم در آمد و پس از فروپاشی شوروی، کارایی خود را به حداقل رساند. اساس این ایدئولوژی به این صورت بود که به دنبال جنگ جهانی دوم، شکل‌گیری نظام دوقطبی و بلوک‌بندی‌ها، برقراری سیستم موازنه جدید قدرت و اوج‌گیری جنگ سرد در سیاست بین‌الملل، به منظور کناره‌گیری از دسته‌بندی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی و نیز دوری از وابستگی به بلوک شرق و غرب، سیاست مستقلی تحت عنوان عدم تعهد شکل گرفت.<sup>۱</sup>

نشانه‌ها و خصوصیات سیاست عدم تعهد عبارت می‌باشد: احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، کاهش تشنجات و تضادهای موجود در روابط بین‌الملل ناشی از تقسیم جهان به شرق و غرب، مخالفت با شرکت در اتحادیه‌های نظامی و خودداری از واگذاری پایگاه‌های نظامی به بلوک، پشتیبانی از منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل، خودمختاری و آزادی تمامی سرزمین‌های تحت اشغال، همکاری مثبت بین‌المللی، مبارزه با استعمار، نژادپرستی و استعمار، لزوم خلع سلاح از طریق نظارت‌های بین‌المللی، حل مسالمت‌آمیز اختلافات از طریق سیاسی و انسان دوستانه، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، مبارزه با توسعه‌نیافتگی اعم از اقتصادی و سیاسی. نکته قابل ذکر اینکه، راهبرد عدم تعهد را باید منطبق با تغییرات و

۱. ستوده ۱۳۹۳، ص ۶۲.

تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی بازتعریف کرد. همچنین این راهبرد، بیش از آنکه راهبردی انفعالی و واکنشی باشد، جهت‌گیری فعالی برای نقش‌آفرینی بیشتر در نظام بین‌الملل است؛ و اینکه عدم تعهد به معنای عدم رابطه و قطع ارتباط با کشورها و بازیگران بین‌المللی حتی مراکز و قطب‌های قدرت جهانی نیست.

با پیروزی انقلاب اسلامی، جهت‌گیری و راهبرد کلی سیاست خارجی ایران، بر اساس ماهیت، هویت، اصول، منافع، اهداف و تصور و تلقی خود از نظام بین‌الملل، از اتحاد و ائتلاف با غرب به راهبرد عدم تعهد مبتنی بر اصل نه شرقی، نه غربی تغییر کرد. این راهبرد با سیاست عدم تعهد سایر کشورهای عضو جنبش عدم تعهد از جهاتی متفاوت است، به همین جهت رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی از آن به‌عنوان عدم تعهد واقعی یاد کرده و از عدم تعهد مرسوم انتقاد می‌کند.<sup>۱</sup> امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: از همان بدو انقلاب و از قبل از بدو انقلاب که شالوده انقلاب ریخته می‌شد، مسیر، مسیر انبیا بود، مسیر راه مستقیم نه شرقی نه غربی بوده و جمهوری اسلامی بوده و تاکنون هم ملت ما به همان مسیر بافی است.

مقام معظم رهبری با اشاره به اینکه سیاست نه شرقی نه غربی، خط امام در سیاست خارجی است می‌افزاید:

خط امام در سیاست خارجی عبارت است از طرفداری ملت‌ها و مقابله با ابرقدرت‌ها، خط امام در سیاست خارجی نه شرقی نه غربی است. بر اساس سیاست نه شرقی نه غربی و عدم تعهد واقعی، ایران به بلوک‌های قدرت تعهدی نداشته و سیاست خارجی آن باید به‌گونه‌ای باشد که کشور به مراکز قدرت وابسته نگردد. راهبرد عدم تعهد واقعی، نقش‌ها و تعهدات خاصی را برای ایران به همراه می‌آورد و در چارچوب همین راهبرد، استقلال، آزادی، مقابله با ظلم، حمایت از ملل محروم و عدالت خواهی معنی و

مفهوم می‌یابد. انقلاب اسلامی کلمه غیر متعهد واقعی را با این مفهوم مطرح کرد که ما نه تنها باید نسبت به مسائل و پیمان‌های نظامی غیر متعهد باشیم بلکه راجع به سیاست‌های این دو بلوک که مجموعاً استکبار جهانی هستند نیز غیر متعهد باشیم.

دو نکته در اینجا قابل بازگویی است.

الف) مفهوم سیاست نه شرقی نه غربی فراتر از بلوک سیاسی قدرت است و با فروپاشی شوروی، معنای واقعی خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا افزون بر بعد سیاسی و بین‌المللی، دارای ابعاد فقهی و ایدئولوژیک می‌باشد.

ب) استراتژی نه شرقی نه غربی مبین یک مفهوم کلان است که همواره می‌تواند بر سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی قابل انطباق باشد و آن حفظ استقلال است؛ به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در روابط خارجی و مراودات دیپلماتیک و تعامل خود با جهان خارج، به اقدامات و ابزارهایی متوسل شود که استقلال خود را در همه ابعاد، دچار خدشه نماید؛ چراکه در مرحله اول، حفظ نظام و سپس استقلال همه‌جانبه آن، از مهم‌ترین اولویت‌های نظام اسلامی است. بر دولت مردان و مسئولان دستگاه سیاست خارجی است که وسیله تحقق این مهم را با شیوه‌های ممکن فراهم آورند. طبیعی است که تغییر شیوه‌ها و تاکتیک‌ها به لحاظ تغییر کادر دیپلماتیک و تغییر مراودات قدرت و مناسبات جهانی با حفظ اصل فوق، منافاتی ندارد، چراکه نظام اسلامی خواهان روابط و مناسبات همه‌جانبه با همه کشورهای، در چارچوب احترام متقابل است و بدیهی است که مفهوم نه شرقی و نه غربی نمی‌تواند انزوا پذیری و یا عدم توجه به محیط پیرامون معنا شود، به‌عکس، گاه حفظ و گسترش دستاوردهای نظام اسلامی درگرو همین روابط و تعاملات است.

### راهبرد عدم تعهد و اصل عزت

با مرور بر شاخصه‌ها و ویژگی‌های عدم تعهد، درمی‌یابیم این راهبرد با مبانی عزتمندی و عزت خواهی تطابق دارد؛ زیرا عدم تعهد واقعی و نه شرقی و نه غربی، یعنی عدم وابستگی سیاسی یعنی اتخاذ مواضع مستقل، نزدیک‌ترین معنا و هم‌سنخی به مفهوم عدم تعهد و به عبارت دقیق‌تر، جوهره و شالوده عدم تعهد، عدم وابستگی و حفظ استقلال است. استقلال به معنای تصمیم‌گیری بر پایه منافع ملی و عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها. حفظ استقلال و تکیه بر عزت اجتماعی لازمه سیاست خارجی است و مهم‌ترین عامل و علت سیاسی و امنیتی جهت‌گیری عدم تعهد نیز، تلاش برای کسب استقلال، حفظ حاکمیت ملی، رهایی از وابستگی به قدرت‌های بزرگ و تأمین آزادی عمل در عرصه داخلی و بین‌المللی بوده و هست. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اساس انقلاب را مسئله استقلال را همه‌چیز یک ملت می‌داند و وابستگی به غیر را مهم‌ترین ضعف یک ملت قلمداد می‌کنند؛ زیرا به دنبال استقلال از خیرات و برکات، همه‌چیز به یک کشور می‌رسد، چنان‌که همه ضعف‌ها از وابستگی یک کشور به خارج، واصل و عاید می‌شود. چون وابستگی، اول ندیده گرفتن موجودی‌های و موهبات الهی در حق یک ملت است. وابسته شدن به یک مرکز قدرت در هر حدی که باشد و دنباله‌رو آن بودن و حرکت کردن، ندیدن عقاید، ندیدن فرهنگ بومی، ملاحظه نکردن آمال مردم و حتی ملاحظه نکردن مصلحت ملی، از نتایج وابستگی است.<sup>۱</sup>

بدترین نوع حکومت در نظرگاه ایشان، حکومت وابسته به بیگانگان است که حکومت‌ها بدون اذن و رضایت ملت خود به این اقدام دست می‌زنند. ایشان حکومت ایران قبل از انقلاب را نمونه بارز یک حکومت وابسته می‌دانند و معتقدند:

حکومت ایران در زمان رژیم طاغوت منحوس، رژیم ذلیل، رژیم فاسد که تا گردن در لجنزار وابستگی گیرکرده بود، اصلاً وابسته زاییده شده بود. محمدرضا که پدرش وابستگی داشت، از ابتدای تولد در محیط وابستگی حرکت و تنفس کرده بود و اصلاً غیرازاین را تصور نمی کرد. آن‌ها این ملت را به سوی وابستگی سوق داده بودند. ایشان، وابستگی برای یک ملت را بالاترین خفت و ذلت می دانند و بزرگ‌ترین خدمت و وظیفه را حفظ استقلال و عزت قلمداد می کنند. به باور رهبران انقلاب اسلامی اتحاد و ائتلاف سیاسی و امنیتی ایران قبل از انقلاب با بلوک غرب، عضویت در پیمان‌های نظامی سعدآباد، ستو و انعقاد قرارداد نظامی با ایالات متحده آمریکا، آزادی عمل ایران را سلب کرد. چون در ائتلاف‌های نامتوازن و نامتقارن معمولاً اختیار و استقلال عمل اعضای ضعیف‌تر و کوچک‌تر همواره محدود و مقید می گردد. ائتلاف و تعهد جمهوری اسلامی ایران با شرق و غرب (به ویژه سردمدار آن آمریکا)، تهدیدی مستمر و پایدار علیه استقلال و حاکمیت ملی ایران است و با مبانی عزت ارتباطی نداشته بلکه کاملاً متقابل همدیگر می باشند چه اینکه نتیجه وابستگی، سرسپردگی، پذیرفتن ولایت منافقان و کفار و در یک کلمه ذلت و خفت را به همراه دارد که باید از آن اجتناب نمود.

بروز و ظهور انقلاب اسلامی، موجب قطع وابستگی و عدم تعهد و عدم سرسپردگی گشته و موجبات حفظ استقلال، امنیت و عزت آفرین می باشد. ایشان در یک مقایسه بین حکومت طاغوت و انقلاب اسلامی، رژیم طاغوت را به لجنزاری تشبیه می کنند که انقلاب اسلامی آن نجاسات را از بدنه ملت ازاله کرد، مثل ازاله نجاست از بدن و جامه که برای نماز لازم است. انقلاب اسلامی، پیکر این ملت را ازاله کرد؛ بنابراین انقلاب اسلامی، حکومتی را بر سرکار آورد که مستقل است، از آمریکا و از هیچ کس دیگر حرف شنوی نداشته و نمی ترسد<sup>۱</sup>. آنچه برای نظام اسلامی اهمیت دارد حفظ استقلال و عزت کشور در عرصه بین‌المللی است. لذا ایشان معتقدند: در ارتباطات دیپلماسی

ما، باید بر این استقلال و بر این عزت اجتماعی تکیه شود که به حمدالله می‌شود و این روش درستی است. ما با ملت‌های دنیا و با دولت‌های گوناگون عالم، بنای همکاری و تفاهم داریم؛ البته نه با زورگویان و کسانی که می‌خواهند همه مسائل را با تکیه بر قدرت خودشان حل کنند؛ مثل امریکا. با این‌ها آلمان در یک جوی نمی‌رود. از این‌رو، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر شعار «نه شرقی - نه غربی» ملت انقلابی ایران، بر نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار گردید و شیوه دیپلماسی سنتی مبنای تنظیم مناسبات جمهوری اسلامی ایران با دولت‌ها قرار گرفت که اصل عزت مبنای این مناسبات و اصول حاکم بر دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد.<sup>۱</sup>

#### استراتژی اتحاد و ائتلاف

استراتژی اتحاد و ائتلاف عبارت است از استراتژی که از متعهد شدن واحدهای سیاسی جهت افزایش نفوذ دیپلماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق هدف‌ها و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌ها، به‌ویژه توانایی‌های اقتصادی و نظامی است. در این نوع استراتژی، یک یا چند دولت از طریق اتحاد یا ائتلاف، متعهد به پذیرش تعهداتی در قبال یکدیگر می‌شوند، برخلاف استراتژی عدم تعهد که از نامش پیداست، از قبول برخی تعهدات و پیوستن به برخی اتحادیه‌ها خودداری می‌ورزد. این جهت‌گیری هنگامی اتخاذ می‌شود که کشوری معتقد باشد به‌تنهایی نمی‌تواند هدف‌های خود را در چارچوب منافع ملی، خواه در داخل یا خارج تحصیل کند و نیز ناشی از یک خطر مشترک است که به اتکای منافع ملی، قابل دفاع نیست. از طرف دیگر، هدف از تشکیل آن، از یک‌سو افزایش نفوذ دیپلماتیک و از سوی دیگر ایجاد بازدارندگی در برابر خطر

۱. سریع القلم، ۱۳۸۳، ص ۸۷.

متصور است. در واقع استراتژی تعهد و اتحاد برخلاف عدم تعهد ناشی از این برداشت است که منافع ملی از سوی یکی از بازیگران اصلی نظام بین‌المللی چون در خطر قرار دارد، بنابراین تصمیم‌گیرندگان لازم می‌بینند در مقابل این خطر با بازیگر دیگر پیمان همکاری ببندند تا بدین وسیله خود را از تهدیدها برهانند. عواملی چون نیازمندی‌های داخلی، وضعیت جغرافیایی، برخورداری از توانایی و قدرت و عوامل تهدیدزا، همچنین سیستم و ساختار نظام بین‌الملل، در پذیرش این استراتژی مؤثر می‌باشند. علت متعهد شدن نیز می‌توان از مؤلفه‌هایی چون: افزایش نفوذ دیپلماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق اهداف، منافع ملی، کسب منافع بیشتر می‌توان نام برد. به‌طور کلی این استراتژی را باید بر اساس درک صحیح اهداف، منافع و داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها در طول زمان ارزیابی کرد.

#### راهبرد اتحاد و ائتلاف و اصل عزت

امروزه شاید بتوان گفت هیچ کشوری به‌تنهایی قادر به تأمین اهداف سیاست خارجی خود نمی‌باشد. وابستگی متقابل، ارتباطات پیچیده و درهم‌تنیده شده و نیازمندی‌های گوناگون، موجب شده کشورها به اتحادیه‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای بپیوندند و از این طریق به تأمین حداکثری منافع خود اقدام نمایند. این واقعیت بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد و پیدایی زمینه برای منطقه‌گرایی جدید، خود را بیشتر نشان داد و کشورها از طریق تقویت فرایندهای درون منطقه‌ای و ائتلاف‌های منطقه‌ای در پی حداکثر سازی منافع مشترک منطقه‌ای و اتخاذ تصمیمات مشترک در عصر جهانی شدن برآمدند. ایران اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در جهت تعقیب منافع و اهداف خود همانند دیگر کشورها نیازمند ارتباط همه‌جانبه با فرایندهای منطقه‌ای و بین‌المللی است.<sup>۱</sup> اصل اختلاف و پیوستن به اتحادیه‌ها در

آموزه‌های اسلامی که به دنبال سلم و صلح بوده و در پی تحقق اهداف الهی انسانی باشد، مورد تأیید است. البته نه هر ائتلافی، بلکه ائتلافی که حدود و ثغور آن را آموزه‌های انقلاب اسلامی که منبعث از آموزه‌های دین مبین اسلام است، بر آن مهر تأیید زده باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این ارتباط می‌فرماید:

در اسلام دعوت به ائتلاف است، دعوت به وحدت است، دعوت به همکاری است، دعوت به تراحم است، دعوت به تعاون است؛ این مبنای تفکر اسلامی در همه فعالیت‌ها است. البته تعامل حدودی دارد، ضوابطی دارد، هرکسی حقوقی دارد؛ باید این‌ها رعایت بشود که در سایه دولت اسلامی قابل تحقق است. نگاه تعارض‌آمیز غلط است؛ نگاه تعاون و تعامل از نظر اسلام درست است؛ و این یک فکری است که در همه شئون ما، در همه مسائل مربوط به زندگی، بایستی وجود داشته باشد. در مقابل آن‌کسی که به حیثیت روانی و روحی و فکری و وجودی انسان و جامعه ضربه میزند، انسان ناچار است دفاع کند؛ اما روال اصلی عبارت است از تعاون و تعامل و همکاری و ائتلاف؛ این نگاه اساسی اسلام است (ستوده، ۱۳۹۳).

#### اتحاد با ابرقدرت‌ها

برای بررسی همخوانی و تطبیق این راهبرد با اصل عزت، باید بین انواع اتحادها و ائتلاف‌ها تفاوت قائل شد؛ زیرا برخی اتحادیه‌ها صرفاً در جهت تأمین منافع غرب یا شرق یعنی ابرقدرت‌ها بوده و هماهنگی و منطبق شدن با خواسته‌ها و اهداف آنان و در یک کلام گوش به فرمان آنان بودن، گام برمی‌دارند. بدیهی است این نوع اتحادیه‌ها و پیوستن به آن‌ها، مورد تأیید نظام اسلامی نمی‌باشد؛ زیرا به حکم آیه «نفسی سبیل» هرگونه عملی که موجب تسلط و سیطره غیرمسلم بر مسلم گردد باید پرهیز شود. وارد شدن در جرگه ائتلاف با قدرت‌های بزرگ، نمونه بارز همکاری و همراهی با ظالمان و

مستکبرین بوده و تحت سیطره و نفوذ آنان می‌باشد.<sup>۱</sup> بنا به فرموده امام خمینی (ره) حفظ نظام از اوجب واجبات است درحالی که ائتلاف و اتحاد با قدرت‌های جهانی، اصل حاکمیت ملی ایران را به مخاطره خواهد انداخت. گرچه بریدن و منزوی ساختن کشور و فاصله گرفتن از قدرت‌ها نیز، به مصلحت نمی‌باشد. معمولاً کشورهای جهان سوم به دلیل ضعف‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باقیمانده از گذشته، توان رقابت و هم‌تراز شدن با قدرت‌های بزرگ را ندارند. ازاین‌رو، این روابط، حالت کدخدا منشانه و شمال، جنوب به خود می‌گیرد و بجای پیشرفت کشورها، دچار ضعف و وابستگی شدید و درنهایت تسلیم بی‌چون‌وچرای قدرت‌های بزرگ می‌شوند. مضاف بر آن اینکه، قدرت‌های بزرگ، بیش از آنکه به امنیت و ضرورت استراتژیک سایر کشورها توجه داشته باشند درصدد ارتقای حداکثر منافع ملی خود می‌باشند و این به مفهوم آن است که تحقق الگوی ائتلاف با قدرت‌های بزرگی چون روسیه و چین امکان‌پذیر نیست. لذا مصلحت آن را تأیید نمی‌کند.<sup>۲</sup>

پیوستن به ائتلاف‌های نظامی که گاه‌وبیگاه و به بهانه‌های واهی و خودسرانه و عامدانه، اقدام به لشکرکشی و تجاوز به حریم ملت‌ها صورت می‌پذیرد، دور از حکمت و خرد اسلامی است. قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که اگر دو گروه از مسلمانان باهم درگیری پیدا کردند باید بکوشند که میان آنان صلح و سازش برقرار کنند و در صورت عدم تمکین یک گروه بر صلح عادلانه، با او بجنگند تا به صلح عادلانه تن دهد نه اینکه به ائتلاف‌هایی پیوندند و برای منفعت مادی خود، اقدام به لشکرکشی کرده و رفتار ظالمانه علیه دیگر ملت‌ها داشته باشند. ایران در زمان قبل از انقلاب به ناتو پیوست اما در عوض پیوستن به این سازمان، چیزی عاید کشور نشد و در جنایات و اقدامات خصمانه آن شریک بود حتی امتیازاتی از جمله راه‌های

۱. دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸.

۲. سریع‌القلم، ۱۳۸۲، ص ۶۲.

مواصلاتی و راه‌آهن را در اختیار آنان گذارد.<sup>۱</sup> همچنین از دیدگاه اسلام، مسلمانان در روابط خود با کفار و بیگانگان، حق ندارند چنان با آن‌ها رابطه دوستی برقرار کنند که عزت اسلامی در معرض مخاطره قرار گیرد و نیز حق ندارند آن‌ها را محرم اسرار خود قرار دهند؛ زیرا ممکن است با آگاهی از رازها و اطلاع از امور سری مسلمانان، راه تسلط و استعمار را بر جامعه اسلامی باز کنند. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

برای افراد باایمان، هیچ‌گاه بیگانه‌ای را محرم اسرار خود قرار ندهید و بر رازهای پنهان خود آگاه نسازید؛ زیرا آنان از هرگونه شر و فساد در باره شما کوتاهی نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. نشانه‌های دشمنی با شما از دهان و کلامشان آشکار شده و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند از آن بیشتر است بما آیات را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

#### اتحاد ایران و روسیه

راهبردها بر اساس مصالح و شرایط مکانی و زمانی تغییرپذیر هستند و دولت‌ها به تبع شرایط، تغییر جهت داده و روشی دیگر را اتخاذ می‌کنند. اتحاد ایران و روسیه به‌رغم اختلافات ایدئولوژیکی و ذهنیت منفی - تاریخی ایرانیان نسبت به اقدامات گذشته روسیه و همچنین به لحاظ ویژگی توسعه‌یافتگی روسیه و در حال توسعه بودن کشور ایران، به لحاظ شرایط و فشارهای وارده، دو کشور را وادار به گسترش همکاری‌ها و همگرایی خاص کرده است. دلایل نزدیکی و همگرایی این دو کشور را می‌توان این‌گونه برشمرد؛

الف) منافع اقتصادی چشمگیر و مبادلات تجاری،

ب) شرایط حاکم بر روابط ایران با روسیه در قبال غرب،

ج) گسترش ناتو به شرق،

د) نگرانی در کشور از گسترش حضور آمریکا در منطقه و تلاش برای کاهش مداخلات منطقه‌ای آمریکا و همکاری در امور تسلیحاتی، نظامی و هسته‌ای،

ه) منافع و علایق هر دو کشور در آسیای مرکزی قفقاز - خزر،

و) وجود ثروت‌های طبیعی عظیم موجود در دو کشور به ویژه نفت و گاز، نیروی انسانی و توانایی‌های نظامی،

ز) نگرانی در کشور از به خطر افتادن صلح، امنیت و ثبات منطقه‌ای در پی حضور گروه‌های تروریستی و کشیده شدن آن به مرزهای دو کشور.

مه این مسائل، همکاری و گسترش روابط دو کشور را ضرورت بخشیده و آنچه حکمت، مصلحت و شرایط فعلی اقتضا دارد، تأیید اتحاد و ائتلاف با روسیه و به تعبیر رهبر انقلاب گسترش بیشتر همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. تغییر خوی استکباری و نگاه نابرابر و یک‌سویه روسیه سابق جای خود را به روسیه جدید داده است که خواهان ارتباطات دوسویه و احترام متقابل می‌باشد این از جمله عواملی است که رهبر فرزانه انقلاب، نگاه به روابط راهبردی با روسیه را مثبت ارزیابی می‌کند. معظم له در دیدار ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، با اشاره به همکاری مناسب تهران- مسکو در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اقدامات دولت روسیه را در یک سال و نیم اخیر، در مسائل مختلف، خیلی خوب و مبتکرانه می‌خوانند. این دیدگاه حاکی از این است که روسیه در نگاه خود به مسائل منطقه‌ای و به ویژه ایران تجدیدنظر کرده است. به طوری که رهبری خواستار روابط همه‌جانبه با روس‌ها شده است. متقابلاً پوتین رئیس‌جمهور روسیه نیز با اشاره تجربیات ارزشمند رهبر انقلاب اسلامی و ابراز خشنودی از دیدار ایشان گفت: توسعه روابط دو کشور از جمله در عرصه فناوری هوافضا و تکنولوژی‌های پیشرفته شتاب بیشتری یافته و ما

بسیار خرسندیم که با جمهوری اسلامی ایران در موضوع امنیت و حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و جهانی نیز همکاری بسیار فعالی داریم. از طرف دیگر، به اعتقاد ایشان، گاهی اوقات حکمت در دوستی با یک دشمن در شرایط لازم است. حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم این، حکمت است.

متحدشدن با روسیه در شرایط فعلی، بر اساس حکمت و مصلحت جنبه ضرورت به خود می‌گیرد؛ اما یکی از سه ضلع مطرح‌شده در چهارچوب ارتباطات بین‌المللی، یعنی عزت نیز باید رعایت گردد. این اتحاد باید به‌گونه‌ای باشد که موجب خدشه‌دار شدن عزت ملت ایران نشود. به عبارتی ارتباط و اتحاد تا جایی امکان‌پذیر است که موجب سلطه‌پذیری در تمام ابعاد روابط، نگردد. اگر فقط به خاطر خروج از شرایط مضطر فعلی، حجم مبادلات تجاری، نظامی و بیش از توان و نیازمندی‌های داخل صورت گیرد، قاعدتاً میان اصل عزت، تضاد صورت می‌گیرد. بدیهی است بر اساس اصل استخدام نیز روابط عادلانه و دوسویه و برابر را می‌طلبد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳). اتحاد و نزدیکی بیش از حد به کشوری چون روسیه، باید بر اساس اطمینان و اعتماد متقابل باشد. به‌گونه‌ای که هر دو کشور در این نزدیکی و ائتلاف سود حداکثری خود را ببرند.

## نتیجه گیری

در این نوشتار نقش اصل عزت در تنظیم راهبردهای سیاست خارجی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری بررسی شد. گفته شد که استراتژی انزوایی یا عدم توجه به محیط پیرامون و حفظ وضع موجود، جایگاهی نداشته و با توجه به شاخصه‌های مطرح شده با اهداف کلی و مسئولیت‌های ملی و فراملی نظام اسلامی در برابر مسلمانان و محرومان و مستضعفان انطباق ندارد. سه اصل عزت، حکمت و مصلحت همخوانی آن را تأیید نمی‌کند.

راهبرد دوم، عدم تعهد واقعی است. این راهبرد با مبانی عزتمندی و عزت خواهی تطابق دارد؛ زیرا عدم تعهد واقعی و نه شرقی - نه غربی، یعنی عدم وابستگی سیاسی یعنی اتخاذ مواضع مستقل، در واقع هدف اصلی از پیگیری این راهبرد، رسیدن به استقلال و حفظ آن از طمع بیگانگان است. رعایت اصل نه شرقی و نه غربی نیز منافاتی با رعایت اصل حکمت نداشته بلکه در جهت تحکیم ارتباطات دویا چندجانبه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، رعایت هر دو الزامی است. ایجاد ارتباط سالم مبتنی بر منافع مشترک، عدم ابتنا بر زورگویی و سلطه‌گری و استحکام ارتباطات بر مبنای تفکر و اعتقاد و راه اسلامی از لوازم همخوان بودن عدم تعهد و اصل حکمت است. با توجه به سخن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای که فرمودند؛ نفی شرق و غرب بیت الغزل انقلاب است، همچنین اقتضای اصل مصلحت نیز تابع بودن و وابسته نبودن جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌کدام از قطب‌های قدرت است، لازمه حفظ انقلاب اسلامی و مصلحت، راهبرد عدم تعهد است.

### فهرست منابع و مآخذ

۱. آقا بخشی، علی و افشاری، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: نشر چاپار، ۱۳۷۹.
۲. رسولی ثانی آبادی، الهام، درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین‌الملل، چاپ اول تهران: انتشارات تیسرا، زمستان ۱۳۹۳.
۳. زرگر، افشین، تنگناهای اتحاد استراتژیک بین ایران و روسیه.
۴. ستوده، محمد، نقد و بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۵. سجادپور، محمدکاظم، سیاست خارجی ایران، چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی، تهران: انتشارات وزارت خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳.
۶. سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۲.
۷. محمدعلی نژاد عمران، روح‌الله، کمالوند، پیمان. (۱۳۹۵). مفهوم شناسی تطبیقی عزت‌نفس در قرآن و روانشناسی انسان‌گرا. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی.